

همای سعادت

نوشته‌ی آزاد کریمی



از هر کس سوال کنید هما یعنی چه، جواب می‌دهد یک پرنده‌ی اساطیری است که نمونه‌ی زنده‌ی آن را در کوه‌های طالقان در نزدیکی کرج هفته‌ی پیش دیده‌اند. اما در حقیقت این پرنده در شهر سقز به "کَشکَه‌خَوْرَه" معروف است. کَشکَه یا کَشکک یک استخوان کوچک در میان استخوانهای زانو است و تعادل وزن انسان یا دام را حفظ می‌کند.

احترام به کَشکَه یا کَشکَه‌ژَنَو (کردی) یا کَشکک (فارسی) به ماجرای قربانی کردن گاو آفرینش به دست ایزد ماردوخ برمی‌گردد، وقتی ماردوخ با گاو زوران (کشتی) کرد و او را به زمین زد، گاو بر روی دست راست افتاد و چمباتمه زد و در این حین ماردوخ با کارد بر گردن گاو زد و خون او را جاری کرد که از آن گندم و تاک رویید.

بنابر عقیده‌ی اجداد اردوانی ما که به آیین بایی یا ترازوی عدالت یا تعادل در خلقت معتقد بودند استخوان کَشکک زانوی گاو این تعادل را ایجاد کرد. به همین دلیل این استخوان که به آن پارسنگ می‌گویند در مکان این ترازو است و از این رو بسیار محترم است. اینها نماد هستند.

اما هما یک نوع تلفظ "خومه‌ی" است. خومه‌ی در زبان کردی به معنای کوزه‌ی سفالی شراب است.

اما سنخیت هما یا پرنده‌ی اساطیری با کوزه‌ی شراب چیست؟

هرودوت می گوید در فلات ایران دو تیره دیدم به نامهای ماد(بزرگان) و پارس(مردمان).

مادها مرده‌های خود را مومیایی می کنند و پارس ها مرده های خود را جلوی پرنندگان در بالای کوه می گذاشتند تا گوشت آن برود و پس از چهل روز استخوانهای آن را برمی داشتند و در یک کوزه ی سفالی می گذاشتند که به آن هستکدان یا نئستوکدان می گفتند که به معنای (استخوان دان) است.

این کوزه ها را در زیر زمین دفن می کردند زیرا اعتقاد داشتند این استخوانها دارای یک زمینه ی روح هستند که ارتباط روح مرده با آن استخوانها را متصل می کنند.

این زمینه ی روحی در استخوان در مغز قرمز استخوان قرار دارد که مرکز ساختن هموگلوبین است. پیشتر گفتم که هموگلوبین عامل زنده بودن خون و جاری شدن روح در بدن انسان است.

مغز قرمز استخوان همناره یا هارونه، خارونا، ارخوان، اژدهای ماربوخ، خاک آتشین نرگال(گراز بهرام) است.

اما خومه‌ی یا استخوان دان، نماد خانه‌ی الوند(خانی گالبات، الی خات، الی خاس، کانی کهوو، کانی کبود) است زیرا نماد خون یا چشمه ی آب زندگی است.

خومه‌ی یا کوزه‌ی سفالی نماد بافت اسفنجی مغز قرمز استخوان است.

روح زندگی جاری یا زو یا ازلیت(می، تاک) در این بافت اسفنجی وجود دارد و گرمای جوشش آن یا روح یا نورو(همناره، خارونا، نهرکه یا صندوق عهد) می باشد.

در هیروگلیفهای قبطی باستان در معابد فرعونهای مصری این مبحث با واژه های : "را، کا، با" نشانه گذاری شده است. البته باید بگویم که در دو سال اخیر این موضوع را در مقاله ای منتشر کرده‌ام.

از خم Khum یا کوزه ی سفالی سرخ برای نگهداری استخوان مردگان(نئستکدان) ، شراب(خومه‌ی، مهیدان) و امور رنگرزی(کبودان، خم Khm) استفاده می کردند.

نماد نئستکدان پرنده‌ی "دال زر" یا کرکس طلایی است. نماد شرابدان پرنده‌ی باز طلایی یا بازان است و نماد رنگدان کاویان است.

تجلی دال زر ماتیه یا همای(ماهووه) است. تجلی بازان شاده(باشو) است. تجلی کاویان شاهین(شاهین) است.

ماتیه در متون آشوری نام یک سردار سکایی یا اشکوزی است.

نماد ماتیه کلاه است. نماد شاده دستار دور کلاه است. نماد کاویان دو بال در دو طرف کلاه و دستار است. اینها شرح تاج پادشاهی مانند خسرو پرویز است.

در قدیم یک نوع باز که نماد شانس بود به نام شیروانی معروف بود.

باز شیروانی را در زمانی که انتخاب پادشاه سخت و ناممکن می شد پرواز می دادند تا روی سر یا شانه ی کسی بنشیند. باز شیروانی روی شانه یا سر هر کس می نشست به عنوان پادشاه انتخاب می شد.

اما آنچه به عنوان همای سعادت نامیده می شود ناشی از عدم آگاهی مردم ایران به دلیل گسست میان نسلا با متون باستانی بود.

این متون به علت تغییر دین تلقی به خرافات و افسانه شدند و در حد ادبیات فولکلور در بعضی مناطق خاورمیانه باقی ماند.

بنابراین آنچه به عنوان همای سعادت نامیده می شود اگرچه استخوان خواری این پرنده این ایده را تقویت می کند اما آنچه در بالا نوشتم حقیقت ماجرا است. بنابراین کرکس استخوان خوار اگرچه محترم است اما باز شیروانی نیست.